

مولوی پژوهی به شیوه فیلسوفان تحلیلی

(درباره چراغ روشن خاموشی)

حدیث آرزومندی، تازه‌ترین اثر استاد ملکیان، چنان‌که در نام کتاب نیز اشاره شده است، جستارهایی در عقلانیت و معنویت است. این کتاب شامل مجموعه مقالاتی است که نویسنده در دو حوزه عقلانیت و معنویت نگاشته است. اغلب این مقالات پیش‌تر به‌عنوان مقدمه یا پیش‌گفتار در افتتاح آثار دیگری منتشر شده است. بخش عقلانیت، شامل هشت مقاله می‌باشد:

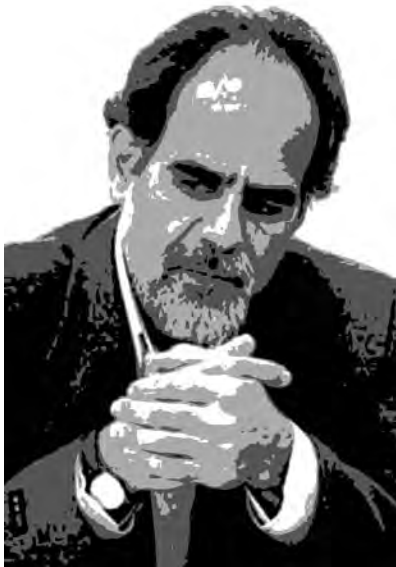
۱. اولویت فلسفه بر دموکراسی، نقدی بر مقاله‌ای با عنوان اولویت دموکراسی بر فلسفه از ریچارد رورتی و رد نظر اوست.
 ۲. فلسفه، بازنگری فهم عرفی: گزارشی است از رأی مور، فیلسوف انگلیسی قرن نوزده و بیست، در باب ماهیت فلسفه.
 ۳. وضع نقد و پژوهش در ایران؛ هست‌ها و باید‌ها. این مقاله در واقع گفتگویی است در باب نقد و پژوهش در حوزه علوم انسانی، انواع نقد و آسیب‌ها و نارسایی‌هایی که در این عرصه در کشور وجود دارد.
 ۴. گستره و مرزهای فلسفه دین، مقدمه‌ای است بر درآمدی بر فلسفه دین، اثر برایان دیویس با ترجمه ملیحه صابری نجف‌آبادی.
 ۵. ملاک حقانیت هر دین: عنوان مقاله‌ای است که در آن ملاک‌هایی برای سنجش حقانیت ادیان یا عدم حقانیت آنچه با نام دین عرضه می‌شود، ارائه شده است.
 ۶. پیش‌فرض‌های اسلامی کردن علوم، نویسنده در این مقاله بر آن است که اسلامی کردن علوم انسانی، مستلزم پیش‌فرض‌هایی است. وی به بحث در باب میزان استدلال‌پذیری این پیش‌فرض‌ها پرداخته است.
 ۷. آنسلم قدیس در جستجوی خدا یا اثبات وجود خدا، به بررسی رأی آنسلم قدیس درباره خدا و اثبات وجود او که در کتاب پروسلوگیون: خطایه‌ای در باب اثبات وجود خدا آمده است، اختصاص دارد.^۲
 ۸. یادداشتی بر اعلامیه نود و پنج ماده‌ای لوتر، در این مقاله، مفاد اعتراض مکتب پروتستان بر آیین کاتولیک، در قالب سه عنوان کلی بیان شده است، ضمن آن که نظریات و تأملات شخصی نگارنده نیز در آن لحاظ شده است.
- در بخش دوم کتاب (معنویت) نیز هشت مقاله جای گرفته است:

۱. جایگاه آیریس مرداک در اخلاق‌شناسی روزگار ما: در این مقاله، چهار چوب کلی آرای فلسفی مرداک - که از فیلسوفان مطرح مکتب اخلاق فضیلت است - بیان شده است.
۲. تخیل آری، توهم نه: عنوان مقاله‌ای است که در مقدمه کتاب دنیا را تصور کن: فلسفه به زبان ساده آمده است.^۳ نویسنده در این مقاله به بررسی آثار مثبت تخیل و زبان‌های توهم، در عرصه زندگی اخلاقی و عقلانی می‌پردازد.
۳. در باب ضرورت نقد اخلاقی، نوشتاری است که در آن از ضرورت و ماهیت ارزیابی و نقد نهادهای اجتماعی از منظر اخلاق، سخن به میان آمده است.

لیلا آقایی چاوشی*



حدیث آرزومندی
(جستارهایی در
عقلانیت و معنویت)،
مصطفی ملکیان،
تهران، نگاه معاصر/۱۳۸۹.



مصطفی ملکیان

که این رأی نمی‌تواند درست باشد. توضیح بهتر برای اینکه چرا مولانا از واژه خاموش، بهره بسیار می‌برده، این است که وی محاسن خاموشی را درک می‌کرده است و به همین جهت در خاتمه غزل‌ها، خاموشی را می‌ستوده است. حال باید پرسید که این محاسن کدامند که مولانا را به ستایش او می‌داشته است؟

۱. پیش از پاسخگویی ذکر سه نکته سودمند است: ۱-۱. آنچه مولانا در باب خاموشی بیان کرده است، ممکن است پیش از او از جانب صاحبان سایر ادیان و مذاهب و مشرب‌های عرفانی و اخلاقی مطرح شده باشد. آنچه در ادامه به‌عنوان رأی مولانا بیان خواهد شد، مطالبی است که مورد تأیید مولانا است؛ خواه از ابتکارات او باشد و خواه تکرار سخنان پیشینیانش.

۱-۲. سه مرتبه خاموشی را می‌توان از یکدیگر تمییز داد؛ خاموشی دهان یا زبان، خاموشی ذهن، خاموشی اراده. هر یک از این مراتب، از مرتبه بعدی آسان‌تر است و هر یک نیز مقدمه گریز ناپذیر مرتبه بعدی است. آنچه در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، تنها مرتبه اول یعنی خاموشی زبان است و در همه موارد، مراد از خاموشی همین مرتبه است، مگر اینکه بر خلاف آن تصریح شود.

۱-۳. برای اینکه مزایای خاموشی را برشمردیم، ناچاریم از ضررهای سخن گفتن به‌عنوان مقدمه استفاده کنیم. این استفاده منطقی خالی از اشکال است به شرط آن‌که از دو نکته غفلت نکنیم:

الف. از این‌که سخن گفتن ضررهایی دارد، نمی‌توان نتیجه گرفت که هیچ سودی ندارد.

ب. از این‌که خاموشی مزایایی دارد، نمی‌توان نتیجه گرفت که هیچ زبانی ندارد. در نهایت کسانی که به خاموشی توصیه می‌کنند، باید نشان دهند که مجموعه زبان‌های سخن گفتن بیشتر از خاموشی است و مجموعه مزایای خاموشی، بیش از سخن گفتن است.

۲. از آن روی که با بیان ضررهای سخن گفتن، مزایای خاموشی بیان خواهد شد، لاجرم باید نخست روشن شود که ما با سخن گفتن چه کارهایی انجام می‌دهیم. برای پاسخگویی به این پرسش از نظریات فیلسوفانی چون بارکلی، ویتگنشتاین، آستین و سرل صرف نظر می‌کنیم و روایت آلتون را که در عین سادگی و زود یابی، دور از صواب نیست و در اینجا وافی به مقصود است، برمی‌گزینیم.

بنابراین رأی، وقتی کسی سخن می‌گوید، سه نوع کار انجام می‌دهد:

۱. جمله خاصی را تلفظ می‌کند و این کاری صرفاً فیزیکی

۴. مسیحت از منظر سیمون وی: مقدمه‌ای است بر نامه به یک کشیش، اثر سیمون که با ترجمه فروزان راسخی در ۱۳۸۲ منتشر شده است.

۵. عقلانیت، معنویت و روشن‌فکری: گفتگویی است که در باب عقلانیت، معنویت و روشن‌فکری و جایگاه و ارتباط این مفاهیم و تأثیر آن در جامعه امروز.

۶. معنویت و آزادی: عنوان مقاله‌ای است که اول بار در حدیث آرزومندی منتشر شده است. نویسنده پس از تبیین مفهوم آزادگی، به بیان تلقی انسان معنوی از آزادی‌های اجتماعی می‌پردازد.

۷. طرح‌واره‌ای برای ارزیابی جهان‌نگری مولانا: مقاله‌ای است که نگارنده، کشف جهان‌نگری مولانا را در گرو یافتن پاسخ مولانا به پرسش‌هایی می‌داند که در زمینه خدا پرسیدنی‌اند، لذا این مقاله سراسر پرسش‌هایی از این دست است.

موضوع اصلی نوشتار حاضر، مقاله‌ای است که در پایان کتاب حدیث آرزومندی آمده است: چراغ روشن خاموشی. این اثر که به استاد محمدعلی موحد تقدیم شده و نخستین بار نیز در یادنامه وی منتشر شده است، درباره فلسفه سکوت در مثنوی معنوی است. اما مثنوی پژوهی ملکیان، داستان دیگری دارد، جز آن‌چه مرسوم است. او به شیوه فیلسوفان تحلیلی برای رسیدن به مقصودش از هر فکر و اندیشه‌ای از هر جای کره خاکی و از هر زمان آن‌چه را که نیاز دارد و تنها آن‌چه را که نیاز دارد، برمی‌گزیند. این مقاله نیز از چشم‌اندازی این‌چنینی، بی‌بهره نیست. نویسنده در این مقاله بر آن است که نشان دهد کرانه‌های توصیه مولانا به سکوت کجاست و ابعاد این توصیه چه صورت‌هایی به‌خود می‌گیرد. برای این منظور از جدیدترین کاوش‌های فیلسوفان زبان درباره سخن گفتن بهره می‌جوید تا سخن گفتن و زبان‌های آن را با دقت از جنبه‌های مختلف واکاود و مخاطب را نسبت به ابعاد گوناگون توصیه‌های مولانا در این زمینه، آگاه سازد.

در ادامه، نخست گزارشی از محتوای این مقاله ارائه و پس از آن چهار نکته بیان خواهد شد که گاه روی در جانب توضیح می‌گشایند و گاه نیز لحنی نقادانه پیدا می‌کنند. قصد نگارنده از بیان این مطالب، صرفاً گام نهادن در راه بصیرت‌افزایی و دقیق‌تر خوانی این مقاله بوده است. لذا نکات نه به ترتیب توضیح یا نقد بودن آن‌ها، بلکه به ترتیب ارتباطی که با محتوای مقاله دارند، تنظیم شده‌اند.

چراغ روشن خاموشی

مولانا جلال‌الدین بلخی، بیش از پانصد غزل از دیوان شمس را با تعبیر «خاموش» یا تعابیر دیگری با همین مضمون به پایان برده است. این موضوع باعث شده است که برخی از محققان معتقد شوند که مولانا در این غزل‌ها به خاموش تخلص می‌کرده است. اما همان‌طور که ویلیام چیتیک معتقد است، ساختار دستوری و سیاق بسیاری از این موارد نشان می‌دهند

مثنوی پژوهی ملکیان، داستان دیگری دارد، جز آن چه مرسوم است. او به شیوه فیلسوفان تحلیلی برای رسیدن به مقصودش از هر فکر و اندیشه‌ای از هر جای کره خاکی و از هر زمان آن چه را که نیاز دارد و تنها آن چه را که نیاز دارد، برمی‌گزیند.

را اسرار حق آموختند/ مهر کردند و دهانش دوختند» (دفتر پنجم، ۲۲۴)

در نهایت مولانا به مرتبه‌ای اشاره دارد که فراسوی خاموشی و سخن گفتن است. او معتقد است مرتبه‌ای را سراغ دارد که نه خاموشی است و نه سخن گفتن، این مرتبه همان و مرتبه بالاتر از خاموشی است که باید بدان دست یافت.

۲-۳-۱. دومین زیان فعل بیانی، این است که باعث می‌شود انسان از کارهای مهم‌تری بازماند. از منظر اهل معنا، مهم‌ترین این کارها شنیدن است. همان‌طور که کودک باید مدت زمانی خاموش باشد و سخن گفتن بزرگ‌ترها را بشنود تا بتواند خود سخن بگوید، ناپختگان معنوی نیز باید تا زمانی که کمال نیافته‌اند، خاموش باشند و بشنوند. تنها موجودی که سخن گفتن او متوقف بر شنیدن نیست، خداوند است.

۲-۳-۲. فعل دربیانی نیز از آفت و زیان مصون نیست. ظاهراً تنها زیان این فعل، آن است که به آفت بی‌صداقتی مبتلا می‌شود. صداقت تمام عیار یعنی وجود سازگاری و هم‌نواپی میان پنج ساحت وجودی انسان؛ یعنی ساحت باورها و عقاید، ساحت احساسات و عواطف و هیجانات و ساحت خواسته‌ها (ساحت درونی) و در دیگر سو، ساحت گفتار و ساحت کردار (ساحت بیرونی). فعل دربیانی با پنج قسمش به‌عنوان گفتار، بخشی از ساحت بیرونی ما را تشکیل می‌دهد و ممکن است با هریک از دیگر ساحت وجودی ما ناسازگار باشد که در آن صورت دچار بی‌صداقتی هستیم.

هر یک از اقسام افعال دربیانی، بی‌صداقتی خاص خود را دارند؛ برای افعال اخباری، شرط صداقت، مطابقت گفتار با باور است. برای افعال تحریکی، مطابقت با میل یا آرزو یا اراده است. برای افعال التزامی نیز مطابقت گفتار با اراده، شرط است. در افعال وصف‌الحالی، مطابقت با احساسات و عواطف و هیجانات، شرط صداقت است و برای افعال ایجادی نیز شرط صداقت وجود ندارد.

مولانا مفهوم صداقت را اغلب با تعبیر «صدق» و بی‌صداقتی را با وصف «نفاق» نشان می‌دهد. او در موارد متعددی این دو مفهوم را تقبیح یا تحسین می‌کند. برای مثال، کسی را که از احوال درونی خود گزارش دروغ می‌دهد یا کسی را که از چیزی که خبر ندارد خبر می‌دهد، تقبیح می‌کند یا کسی را که منافقانه خداوند را تسبیح می‌کند.

- فیزیولوژیکی است و آن را فعل بیانی می‌نامند.

۲. با آن کار فیزیکی - فیزیولوژیکی و به یاری قراردادهای زبانی که میان او و مخاطبانش برقرار است، کارهایی از قبیل اخبار، سؤال، وعده، امر، سپاس‌گزاری و نام‌گذاری انجام می‌دهد که به آن فعل دربیانی می‌گویند.

۳. با فعل بیانی و فعل دربیانی و بر اثر فرآیندهای طبیعی و علی و معلولی، تأثیری در روان یا رفتار مخاطب می‌گذارد که به آن فعل بیانی می‌گویند.

جان سرل، فیلسوف آمریکایی، خود افعال دربیانی - یعنی نوع دوم افعال - را به پنج دسته تقسیم کرده است:

الف. افعال اخباری، مانند پیش‌بینی کردن، گزارش دادن.
ب. افعال تحریکی، مانند سؤال کردن، امر کردن.
ج. افعال التزامی، مانند وعده دادن، پیمان بستن.
د. افعال وصف‌الحالی، مانند اظهار تأسف، پوزش خواهی کردن.

هـ. افعال ایجادی، مانند نام‌گذاری کردن، اعلام جنگ کردن.

۳. کسانی که خاموشی را فضیلت می‌دانند، در هر سه نوع کاری که با سخن گفتن انجام می‌شود، زبان‌هایی سراغ دارند که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

۱-۳-۱. فعل بیانی، فارغ از فعل دربیانی و بیانی، دو زیان مهم را به‌بار خواهد آورد و پرهیز از آن، دو سود را در پی خواهد داشت:

۱-۳-۱. خاموشی، زمینه‌ساز آمادگی جان آدمی برای دریافت احوال معنوی و روحانی است. یکی از سنت‌های مهم تعلیم و تعلم روحانی، تعلیم از راه خاموشی است. به تعبیر مولانا برای دریافت حالات معنوی باید خاموش ماند و در انتظار فضل نشست؛ چرا که فضل، جز در خاموشی در نمی‌رسد. با این وصف، خاموشی هم شرط دریافت معارف معنوی است و هم شرط ارائه آن معارف به سایر انسان‌ها. به تعبیر دقیق‌تر، خاموشی هم برای دریافت از عالم بالا شرط است و هم برای دریافت از جانب معلمان معنوی و مرشدانی که در کره خاکی می‌زیند.

نکته دیگر این که خاموشی علاوه بر آنکه از علل عمده برای کسب معارف معنوی است، معلول دریافت این معارف نیز هست؛ یعنی کسی که به عوالم و معارف معنوی نایل می‌شود، برای او خاموشی پدید می‌آید. مولانا اشاره می‌کند: «هر که

۲-۳-۳. سخن گفتن دربارهٔ عالم بالا ممکن است برای گوینده شهرتی پدید آورد یا باعث ایجاد محبت از سوی مخاطبان برای او شود. حال آنکه هر نوع شهرت و منزلت می‌تواند برای انسان سم مهلکی باشد که البته در نظر شیرین می‌نماید.

۴-۳. این مجموعه، بخشی از زیان‌های روحانی، معنوی، اخلاقی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی سخن و در نتیجه، فواید خاموشی بود که تنها با ملاحظهٔ مثنوی معنوی سامان یافته و از ارجاع به سایر آثار مولانا و یا آثار پیشینیان او خالی است.



نکات:

۱. به نظر می‌رسد طرح این پرسش که آیا مولانا به «خاموش» تخلص می‌کرده یا نه و متوقف کردن بحث بر پاسخ این پرسش، علاوه بر این که به لحاظ ارائهٔ دلایل و اثبات مدعا، به سختی مخاطب را اقناع می‌کند - و شاید هم نمی‌کند - از وجاهت لازم برخوردار نباشد. به دو دلیل می‌توان فارغ از این پرسش و پاسخ آن، دربارهٔ خاموشی و اهمیت آن در نگاه مولانا سخن گفت. یکی اینکه اگر فرض کنیم مولانا تنها به جهت تخلص شاعری غزل‌های پانصدگانهٔ مذکور را با این تعبیر به پایان برده است و عنایتی به مفهوم خاموشی در این موارد نداشته است؛ هنوز موارد بسیاری از نکته سنجی‌ها و دقت‌های مولانا در باب خاموشی، باقی می‌ماند که می‌تواند اهمیت خاموشی در نظر مولانا را به روشنی نمایان سازد. اتفاقاً نویسندهٔ محترم نیز

اشکال مقدر به طرح این بحث این است که راه مقابله با بی‌صدافتی و آفتی که در گفتار رخنه می‌کند، دفع آفت است، نه ترک سخن گفتن. مولانا نیز با این مسئله موافقت تام دارد، اما از سوی دیگر معتقد است تا زمانی که روند اصلاح گفتار آغاز نشده یا به پایان نرسیده است، باید از سخن گفتن احتراز کرد. اساساً او معتقد است تا زمانی که میل کار بد در کسی وجود دارد، باید زمینه‌های تحقق آن کار بد را از میان بردارد.

۳-۳. افعال بایبانی نیز زیان‌های فراوانی می‌توانند داشته باشند. افعال با بیبانی، نتیجهٔ گفتار ما هستند؛ خواه ما آنها را خواسته باشیم، خواه نخواستیم، خواه از آنها مطلع باشیم و خواه نباشیم. اگر هدف ما از سخن گفتن یعنی آن چه برای تحقق آن سخنی می‌گوییم و از آن آگاهییم و آن را اراده می‌کنیم، با نتیجه‌ای که از سخن گفتن ما پدید می‌آید، بر هم منطبق باشند، سخن گفتن ما موفقیت‌آمیز بوده است و اگر چنین نباشد، سخن گفتن ما موفقیت‌آمیز نبوده است. گاه نیز ممکن است سخن گفتن از وجهی موفقیت‌آمیز باشد ولی از وجهی دیگر نباشد، یعنی به هدفمان نایل آئیم، ولی نتیجه یا نتایج دیگری نیز که آنها را نمی‌خواستیم، پدید آیند. موفقیت یا عدم موفقیت در سخن گفتن، ارتباطی با درستی یا نادرستی اخلاقی این فرآیند ندارد. ممکن است سخن نادرستی، موفق باشد یا ناموفق و بالعکس. اینک زیان‌های مهم فعل بایبانی را ذکر خواهیم کرد:

۱-۳-۳. بزرگ‌ترین زیانی که فعل بایبانی برای انسان دارد، زمانی متوجه آدمی می‌شود که او در صدد برمی‌آید حقایق عالم بالا را با سخن و زبان بیان کند؛ حال آن‌که این معانی را نباید گفت. لاقلاً چهار وجه برای این منع وجود دارد:

۱-۳-۳-۱. مطالب عالم بالا به سخن در نمی‌آیند؛ سخن از بیان این مطالب، عاجز است. سخن گفتن دربارهٔ این امور باعث می‌شود جهل بسیط مخاطبان، به جهل مرکب تبدیل شود. از آن‌جا که این نقص، متوجه خود زبان است نه فهم مخاطبان، باید در برابر همهٔ مخاطبان، سکوت اختیار کرد نه گروه خاصی از ایشان.

۲-۳-۳-۱. بسیاری از مخاطبان، استعداد فهم یا قبول معانی عالم بالا را ندارد و بیان این معانی برای ایشان یا برایشان جهل مرکب پدید می‌آورد یا در ایشان زمینهٔ رد و انکار را فراهم می‌کند. مولانا معتقد است کسانی که از معانی عالم بالا مطلع‌اند، قدرت ارائهٔ آن معانی را دارند ولی اجازهٔ این کار را ندارند. اجازهٔ تعلیم این معانی، فقط خدا را شایسته است.

۳-۳-۳-۱. سخن گفتن از حقایق عالم بالا، پستی این دنیا را به مردمان نشان می‌دهد و زندگی این جهانی را نزد ایشان بی‌مقدار می‌کند. این اتفاق باعث می‌شود سامان امور دنیا بر هم بیفتد. به عقیدهٔ مولانا ستون جهان، غفلت است و اگر مردمان غافل نباشند، در کار این جهان اخلال پدید می‌آید.

۴-۳-۳-۱. سخن گفتن دربارهٔ عالم بالا، ممکن است گوینده را در معرض بدنامی و دشمنی کسانی قرار دهد که منکر این معانی هستند.

نویسنده در این مقاله بر آن است که نشان دهد کرانه‌های توصیۀ مولانا به سکوت
کجاست و ابعاد این توصیه چه صورت‌هایی به خود می‌گیرد. برای این منظور
از جدیدترین کاوش‌های فیلسوفان زبان درباره سخن گفتن
بهره می‌جوید تا سخن گفتن و زیان‌های آن را با دقت از
جنبه‌های مختلف واکاود و مخاطب را نسبت به ابعاد
گوناگون توصیه‌های مولانا در این زمینه،
آگاه سازد.

را سراغ دارند و تشخیص داده‌اند.» (ملکیان، ۱۳۸۹، ص ۳۲۸)
حال آن‌که ایشان در ادامه این مطلب و اساساً در این مقاله،
تنها با آرای مولانا در این خصوص سر و کار دارند و متعرض
دیدگاه‌های سایر معتقدان به این نظریه نشده‌اند.

منابع و مأخذ

- حدیث آرزومندی (جستارهایی در عقلانیت و معنویت)، ملکیان،
مصطفی، انتشارات نگاه معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۹
- Searle, John R, "Austin on Locutionary
and Illocutionary Acts", in Rosenberg
and. Travis (eds), *Readings in The
Philosophy of Language*, p. 271
- _____, *Speech Acts, An Essay in
The Philosophy of Language*, Cambridge
University Press, 1969
_____, *Expression and Meaning,
Studies in The Theory of Speech Acts*,
Cambridge University Press, 1979

پی‌نوشت‌ها

* I.chavoshi@gmail.com.

۲. این مقاله، مقدمه‌ای است بر کتاب پرسولوگون: خطاییه ای در باب
اثبات وجود خدا اثر آنسلم قدیس که به ترجمه افسانه نجاتی در سال
۱۳۸۶ منتشر شده است.

۳. این کتاب که اثر برزیت لایه و میشل پوش است با ترجمه پروانه
عروج‌نیا در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است

4. Searle, John R, "Austin on Locutionary and
Illocutionary Acts", in Rosenberg and Travis
(eds), *Readings in The Philosophy of Language*,
p. 271

5. _____, *Speech Acts, An Essay in The
Philosophy of Language*, Cambridge University
Press, 1969

_____, *Expression and Meaning,
Studies in The Theory of Speech Acts*,
Cambridge University Press, 1979

در خلال بحث، بدون ملاحظه دیوان شمس و سایر آثار مولانا،
تنها ابیات مثنوی را در تحقیق خود ملاک عمل قرار داده است.
دلیل دوم این‌که اگر مولانا به «خاموش» تخلص کرده باشد،
آیا نمی‌توان همین موضوع را دلیلی بر اهمیت موضوع نزد وی
دانست؛ همان‌طور که علاقه وی به شمس تبریزی و اهمیتی
را که این شخصیت برای او داشته است را می‌توان دلیلی برای
انتخاب تخلص «شمس» از جانب او دانست. با این توضیح شاید
مؤلف محترم به سادگی می‌توانست از بر دوش کشیدن بار اثبات
یا توضیح و توجیه این مدعا در صدر مقاله صرف نظر کند.

۲. درباره فعل بیانی میان فیلسوفان اختلاف نظر وجود دارد.
سرل در مقاله‌ای به نقد نظر آستین درباره فعل بیانی و دربیانی
پرداخته است.^۴ اما در دو کتاب مهمی که درباره افعال گفتاری
نگاشته، نسبت به فعل بیانی التفات چندانی نشان نداده است.^۵
نویسنده محترم در حقیقت روایتی از تقسیم سه‌گانه افعال گفتاری
را مطرح کرده است که بتواند بر پایه آن، فعل بیانی را بر اهمیت‌تر
از آن چه سرل روایت کرده است، در نظر داشته باشد.

۳. در این مقاله نویسنده، معادل‌هایی برای اصطلاحات کلیدی
مبحث افعال گفتاری، جعل کرده است که پیش از این سابقه
نداشته است. حتی در کتاب افعال گفتاری اثر جان سرل نیز که
در سال ۱۳۸۴ با ترجمه محمدعلی عبدالهی و ویرایش مصطفی
ملکیان منتشر شد، معادل‌های دیگری برای این اصطلاحات
در نظر گرفته شده بود که اغلب با معادل‌هایی که عزت‌الله
فولادوند برای اولین بار در مردان اندیشه - بخش فلسفه زبان،
گفتگو با جان سرل - به کار برده بود، برابر بودند. این معادل‌ها
عبارتند از: فعل بیانی (locutionary act) فعل دربیانی
(illocutionary act) فعل بایبانی (perlocutionary
act) افعال اخباری (assertives) تحریکی (directives)
التزامی (commissives) وصف‌الحالی (Expressives)
ایجاد (diclarations).

۴. نویسنده محترم در بند سوم مقاله اظهار داشته است:
«اینک و پس از برشماری کارهایی که آدمی با زبان و گفتار
انجام می‌دهد، وقت آن است که به نقد و ارزیابی آنها از منظر
کسانی که خاموشی را فضیلت می‌دانند بپردازیم.

حقیقت این است که کسانی که خاموشی را فضیلت و ضروری
می‌دانند در هر سه کاری که با زبان و گفتار انجام می‌گیرند زیان‌هایی